

چکیده

در دهه‌های اخیر، تشدید رقابت‌های معنایی و گسترش جنگ روایت‌ها، تصویرسازی هویتی را به یکی از میدان‌های اصلی منازعه در نظام بین‌الملل تبدیل کرده است. در این چارچوب، بازتعریف مشروعیت ملی در مجامع بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران اهمیتی فزاینده یافته است. این پژوهش به تحلیل چگونگی رویارویی گفتمان سیاست خارجی و حکمرانی دولت شهید سید ابراهیم رئیسی با راهبردهای تصویرسازی منفی و جنگ‌های ادراکی قدرت‌های غربی در سازمان ملل متحد پرداخت. مسئله اصلی پژوهش، بررسی سازوکارهای تقابل فعال دولت رئیسی با روندهای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و نیز تحلیل تلاش‌های هدفمند برای تضعیف هویت و مشروعیت جمهوری اسلامی ایران بود. در همین راستا، سؤال محوری پژوهش این است که این دولت طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ با بهره‌گیری از چه راهبردهایی توانست روایت‌های مسلط غربی را نقد، و الگویی بدیل از حکمرانی اسلامی در عرصه بین‌المللی بازنماید کند. پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. در این چارچوب، سخنرانی‌های شهید رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردآوری و با استفاده از الگوی شناسه‌گذاری سه‌سطحی تحلیل شد. بر پایه این فرایند، ۹۰ شناسه اولیه، ۳۲ شناسه سازمان‌دهنده و هشت مضمون فراگیر شناسایی شد. یافته‌ها نشان داد رویارویی دولت شهید رئیسی، در امتداد سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران و در بستر تحول‌یافته نظام بین‌الملل شکل گرفت، اما در سطح گفتمانی با راهبردهایی مشخص پیگیری شد. این راهبردها شامل نقد ساختاری سیاست‌های دوگانه غرب، افشای نظام‌مند اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی و برجسته‌سازی نقش فعال جمهوری اسلامی ایران در تقویت امنیت، عدالت و کرامت انسانی بود. این الگوی گفتمانی به ارتقای مشروعیت هویتی ایران انجامید و زمینه تثبیت گفتمان مقاومت فعال را در سپهر جهانی فراهم ساخت.

■ واژگان کلیدی

ابراهیم رئیسی، نظام سلطه، اسلام‌سیاسی، مجمع عمومی سازمان ملل، پروپاگاندا، رسانه‌ای.

خنثی‌سازی پروپاگاندا، نظام سلطه علیه

حکمرانی انقلاب اسلامی: تحلیل اندیشه‌های

شهید رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل

سیدزکریا محمودی رجا

استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

z.mahmoudiraja@scu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

در جهان معاصر، سیاست و روابط بین‌الملل بیش از هر زمان دیگر تحت سلطه و تأثیر فرایندهای فرهنگی، نمادین و شناختی قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که منازعات سیاسی بیشتر در بستر «جنگ روایت‌ها»، رقابت در تصویرسازی و نبرد بر سر معانی و هویت شکل می‌گیرد (نای، ۱۳۸۷؛ کاظمی، ۱۳۶۹ و Guzzini, ۲۰۰۰). ساختار قدرت در نظام بین‌الملل امروز، تنها بر مؤلفه‌های مادی و سخت استوار نیست، بلکه بیش‌ازپیش به ظرفیت‌های معناپردازانه، قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی و حوزه‌های هنجاری و ادراکی وابسته شده است. براین اساس، دولت‌ها برای تثبیت جایگاه، مشروعیت و هویت خود در سطوح منطقه‌ای و جهانی، کنشگری فعال در قلمرو روایت‌سازی، نمادپردازی و معناسازی را در دستور کار خود قرار داده‌اند (Mark, ۲۰۰۹؛ جمشیدی و نقدی، ۱۳۹۶).

در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگری با الگوی خاص حکمرانی و هویت تمدنی - سیاسی، همواره با طرح‌های متراکمی از جنگ شناختی، عملیات روانی و پویش‌های روایت‌سازانه روبه‌رو بوده است؛ طرح‌هایی که با هدف تضعیف مشروعیت، ترسیم تصویری تهدیدآمیز و ایجاد ادراکات منفی از ایران در افکار عمومی جهانی و نهادهای تأثیرگذار بین‌المللی به‌کار گرفته می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۴؛ پورعلی و همکاران، ۱۴۰۰).

به همین سبب، نهادهای بین‌المللی و به‌ویژه سازمان ملل متحد، به عرصه اصلی تقابل در بازنمایی هویت کشورها و رقابت روایت‌ها بدل شده‌اند، جایی که هر دولت می‌کوشد روایتی متفاوت، مشروع و تأثیرگذار از خود و نقش‌آفرینی‌اش در نظم جهانی ارائه کند. در دوره ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲، محیط داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی با مجموعه‌ای از بحران‌ها و تحولات پرشتاب همراه بوده است. در عرصه داخلی، فشار تحریم‌های اقتصادی، ناآرامی‌ها و اعتراضات ترکیبی سال ۱۴۰۱ و افت مشارکت سیاسی، بحران‌های مشروعیت و تصویر را تشدید کرد. در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز، رخدادهایی چون جنگ روسیه و اوکراین، تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از خروج آمریکا از افغانستان، بحران‌های آبی، پایان تنش ایران و عربستان، عملیات طوفان‌الاقصی و تشدید جنگ ادراکی و رسانه‌ای علیه ایران و محور مقاومت، عرصه رقابت معنایی و ادراکی پیرامون ایران را بار دیگر به مرکز تحولات بین‌المللی سوق داد. در چنین بستر پرچالشی، سخنرانی‌های شهید آیت‌الله رئیسی در

مجمع عمومی سازمان ملل (۱۴۰۰-۱۴۰۲)، به ابزاری کلیدی برای مدیریت و بازتعریف روایت هویتی و تمدنی جمهوری اسلامی تبدیل شد. این سخنرانی‌ها فراتر از قالب‌های تشریفاتی رایج، به صحنه‌ای راهبردی برای تبیین ارزش‌های معنوی و هنجاری ایران، نقد استانداردهای دوگانه غرب در عرصه حقوق بشر و تروریسم، بازخوانی کارنامه ایران در مبارزه با تروریسم و نقش‌آفرینی محور مقاومت و نیز دفاع نمادین از الگوی حکمرانی اسلامی بدل شدند. از این دیدگاه، تلاش برای تثبیت تصویری مثبت و معناسازانه از ایران و خنثی‌سازی طرح‌های ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی در متن جنگ روایات جهانی، در قلب راهبرد دیپلماسی نمادین جمهوری اسلامی قرار گرفت. سرانجام، مسئله اصلی پژوهش آن است که در بستر تحولات پیچیده داخلی، منطقه‌ای و جهانی این سه سال، سخنرانی‌های شهید رئیسی چگونه با تکیه بر ظرفیت‌های قدرت نرم، روایت‌پردازی و دیپلماسی فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بازسازی هویت، مشروعیت و اقتدار گفتمانی ایران ایفا کرده است و این فرایند چگونه می‌تواند به تبیین مناسبات معنایی و رقابتی نظام بین‌الملل معاصر بینجامد. تبیین این مسئله مستلزم تحلیل همه‌جانبه پیوند ابعاد ادراکی، نمادین و هنجاری سیاست خارجی ایران با فضای جنگ روایت‌ها و ساختار رقابتی معناسازی در نظام بین‌الملل است.

۲. پیشینه و نوآوری پژوهش

در سال‌های اخیر، طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها به بررسی ابعاد نظری و مفهومی مرتبط با مقولاتی چون قدرت نرم، جنگ روایت‌ها، دیپلماسی فرهنگی و تصویرسازی بین‌المللی ایران پرداخته‌اند. بخش عمده این آثار به واکاوی عملکرد رسانه‌های غربی و منطقه‌ای در بازنمایی منفی جمهوری اسلامی و تقویت سازوکارهای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی اختصاص داشته است (دارا و بابایی، ۱۳۹۵؛ ضرغامی خسروی و همکاران، ۱۳۹۹؛ آقاجانی و اطهری، ۱۴۰۲). مطالعاتی مانند رضایی‌پناه و حاجیلو (۱۳۹۳)، عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) و موسوی ده‌شیخ و همکاران (۱۳۹۶) بر نقش دیپلماسی رسانه‌ای و عملیات روانی در تولید کلیشه‌های منفی درباره هویت ایرانی و اسلامی تأکید دارند؛ همچنین آثار دیگری با تمرکز بر تحول رویکرد سیاست خارجی ایران، الزامات جنگ شناختی، قدرت نرم و دیپلماسی نمادین به بررسی چگونگی رویارویی جمهوری

اسلامی با موج‌سازی رسانه‌ای غربی و تثبیت گفتمان هویتی پرداخته‌اند (توسلی رکن‌آبادی و اسماعیلی، ۱۳۹۲؛ شفیق، ۱۳۹۷؛ قنبری سلحشور و آقارضایی، ۱۳۹۷؛ مطلبی، ۱۴۰۰؛ صالحی و همکاران، ۱۴۰۲؛ سلطانی‌فر و خان‌زاده، ۱۳۹۲؛ قوام و سیدعبدالعلی، ۱۳۸۴). با این حال، مرور انتقادی ادبیات آشکار می‌سازد که تحلیل‌های پیشین بیشتر بر تبیین ابعاد و پیامدهای جنگ نرم و بازنمایی‌های منفی از ایران تمرکز داشته‌اند و بررسی راهبردی کنش فعال جمهوری اسلامی در سطح عالی اجرایی و به‌ویژه در قالب سخنرانی‌های رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل کمتر به‌طور مستقل و ساختاریافته مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل‌ها درباره دولت سیزدهم و سخنرانی‌های شهید آیت‌الله رئیسی نیز بیشتر ناظر بر موضوعات کلان دیپلماسی و رویارویی با جنگ روایت‌ها است (سلیمانی، ۱۴۰۱) و ابعاد روایت‌سازی هویتی، مشروعیت‌آفرینی و تصویرسازی مثبت ایران در رقابت‌های گفتمانی معاصر به‌صورت عمیق واکاوی نشده است. وجه ابتکاری این پژوهش در تمرکز نظام‌مند و عمیق بر تحلیل سخنرانی‌های شهید آیت‌الله رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲) است؛ عرصه‌ای که نقطه تلاقی رقابت‌های روایتی و جنگ‌های ادراکی درباره ایران و محور مقاومت به‌شمار می‌رود. این مطالعه با عبور از رویکردهای توصیفی رایج، در پی تبیین سازوکارهای نمادین، معنایی و راهبردی دیپلماسی تبیینی رئیس‌جمهور و نقش آن در بازتعریف هویت و مشروعیت جمهوری اسلامی در متن رقابت‌های گفتمانی نظام بین‌الملل معاصر است؛ حوزه‌ای که در فضای پژوهشی کشور کمتر به‌طور مستقل بررسی شده است.

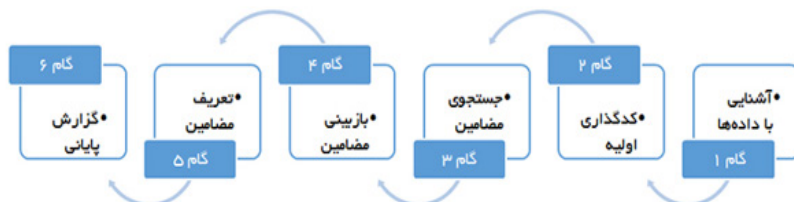
۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از حیث ماهیت، کیفی است. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و آرشیو فایل‌های صوتی و تصویری سخنرانی‌های شهید آیت‌الله رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ گردآوری شده است. انتخاب داده‌ها به‌صورت هدفمند و در راستای مسئله، اهداف و سؤال اصلی پژوهش انجام شده است.

راهبرد روش‌شناختی اصلی پژوهش، روش تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون به‌عنوان یکی از روش‌های رایج در پژوهش‌های کیفی، امکان شناسایی، تحلیل و گزارش

الگوهای معنادار نهفته در داده‌های متنی را فراهم می‌سازد و داده‌های پراکنده را در قالب مضمون‌های منسجم و قابل تفسیر سامان‌دهی می‌کند (نصیری، ۱۳۹۹: ۶۶؛ درخشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۲ تا ۵۳؛ خانی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۴ تا ۱۵). در این پژوهش، داده‌ها با بهره‌گیری از الگوی شبکه مضمون‌ها تحلیل شده است؛ به گونه‌ای که مضمون‌ها ابتدا در سطح مضمون‌های پایه استخراج، سپس در قالب مضمون‌های سازمان‌دهنده تجميع و سرانجام در سطح مضمون فراگیر صورت‌بندی شده است. مضمون فراگیر پژوهش، «راهبردهای خنثی‌سازی پروپاگاندای نظام سلطه و تبیین گفتمان بدیل حکمرانی انقلاب اسلامی» است. فرایند تحلیل مضمون برای انجام این مقاله در ذیل آمده است.

۵۳



شکل ۱. مراحل انجام پژوهش مبتنی بر تحلیل مضمون (کلارک و براون، ۲۰۱۳)

در گام نخست، آشنایی با داده‌ها از طریق مطالعه مکرر متون و مشاهده دقیق فایل‌های تصویری و شنیداری صورت گرفت. در گام دوم، شناسه‌گذاری اولیه با شناسایی واحدهای معنایی و استخراج مفاهیم کلیدی انجام شد. در گام سوم، شناسه‌های مشابه و مرتبط در قالب مضمون‌های اولیه سامان‌دهی شد. در گام چهارم، مضمون‌های استخراج‌شده بازبینی و پالایش شد و انسجام آن‌ها در چارچوب سطوح سه‌گانه مضمون‌های پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر مورد ارزیابی قرار گرفت. در گام پنجم، مضمون‌های نهایی به صورت دقیق تعریف و نام‌گذاری شد. در گام ششم، استخراج شبکه نهایی مضمون‌ها و صورت‌بندی مضمون فراگیر پژوهش انجام شد. فرایندی که ضمن پاسخ به پرسش‌های پژوهش، امکان تحلیل راهبردی گفتمان شهید رئیسی در رویارویی با جنگ روایت‌ها را فراهم ساخت.

۴. مفهوم‌شناسی و الگوی مفهومی پژوهش

۴.۱. اسلام‌هراسی

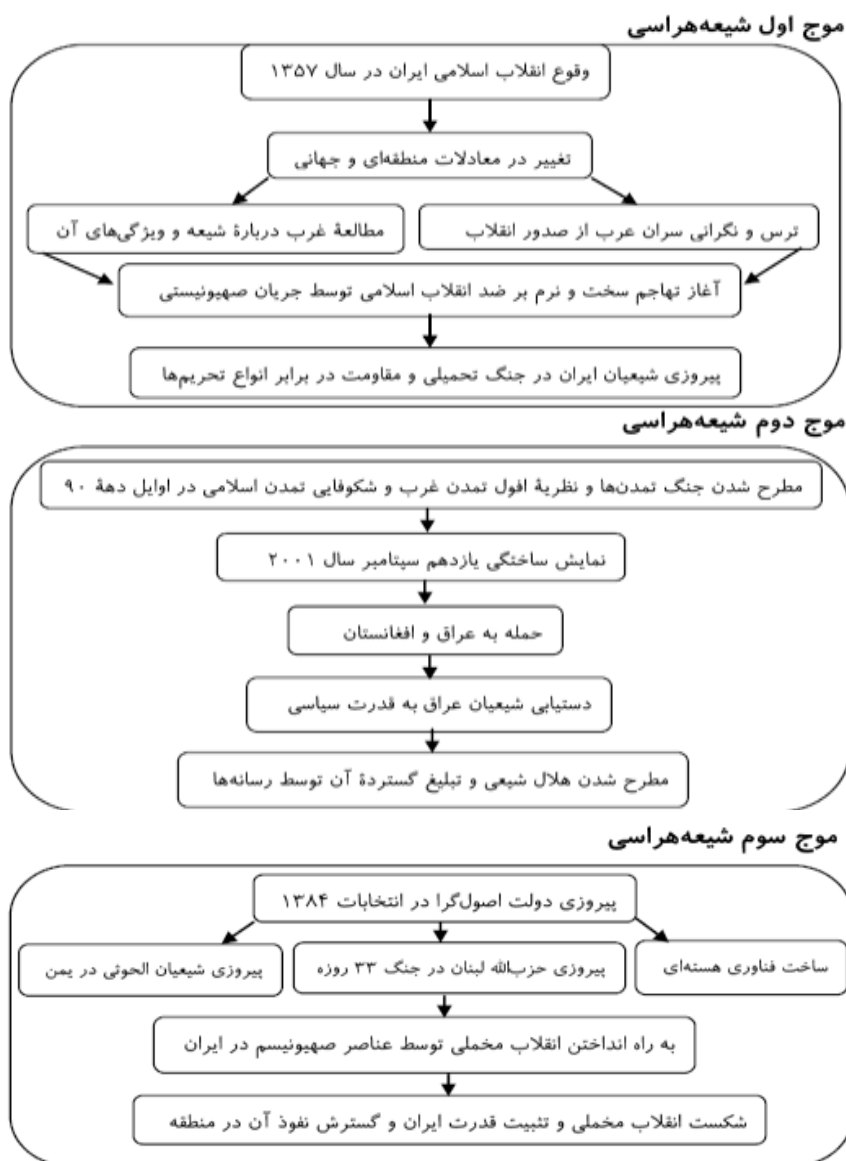
در دهه‌های اخیر، اسلام‌هراسی به‌مثابه یکی از پیچیده‌ترین راهبردهای نظام سلطه جهانی علیه جهان اسلام، تنها محصول سوگیری‌های فرهنگی نیست، بلکه ریشه در منازعات تاریخی اسلام و غرب، سیاست‌های استعماری و رشد قدرت هویتی اسلام‌سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران دارد؛ به‌ویژه زمانی که رسانه‌های غربی با بازنمایی اسلام به‌عنوان دین خشونت و عقب‌ماندگی، موجی از بی‌اعتمادی ساختاری را در افکار عمومی جهان نهادینه کردند (سعید، ۱۳۷۹؛ سیمبر و قربانی، ۱۳۸۹: ۹۸-۱۰۲). پس از انقلاب اسلامی و حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این رویکرد شدت گرفت و اسلام نه به‌عنوان مکتبی معنوی بلکه تهدیدی برای نظام جهانی سلطه بازنمایی شد تا هر جنبش هویت‌ساز اسلامی را عامل بی‌ثباتی جلوه دهد (صالحی، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۶؛ مظفری، ۱۳۸۶: ۲۱۷). پروژه اسلام‌هراسی، اهداف گوناگونی مانند بی‌اعتبارسازی اسلام، محدودسازی نقش مسلمانان در غرب، توجیه مداخلات نظامی، سرکوب اسلام‌سیاسی مستقل به‌ویژه در ایران و مشروعیت‌بخشی به حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را با بهره‌گیری از رسانه، فیلم، سیاست‌گذاری عمومی و عملیات روانی پیگیری کرده است (مرشدی‌زاده و غفاری هشتچین، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۸؛ ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱). در این میان، چهار موج اسلام‌هراسی در پیروزی انقلاب اسلامی، حادثه ۱۱ سپتامبر، اهانت به مقدسات و تمرکز بر پروژه ایران‌هراسی از رهگذر «هلال شیعی» و تهدیدسازی هویتی شناسایی می‌شود (سراج، ۱۳۸۷؛ جاودانی مقدم، ۱۴۰۱: ۷۵-۷۸). پیامدهای این روند، گسترش تبعیض ساختاری، رشد خشونت علیه مسلمانان، تضعیف همگرایی جهان اسلام و توجیه مداخله و مهار ظرفیت‌های تمدنی مسلمانان بوده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۳؛ صادقی، ۱۳۹۸: ۴۰-۴۶). به‌ویژه ایران هم‌زمان با اسلام‌هراسی، هدف پروژه ایران‌هراسی و برچسب‌زنی‌های گسترده قرار گرفت و گفتمان مقاومت و مردم‌سالاری دینی ایران به‌عنوان الگویی تهدیدساز بازنمایی شد (زاده‌علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۴؛ ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱). باوجود تداوم این طرح، پویایی تمدنی اسلام و نقش یکتای جمهوری اسلامی ایران در تعمیق همگرایی هویتی و ارائه الگوهای بدیل به جهان اسلام، به ارتقای سرمایه اجتماعی و مقاومت معنادار

در برابر هجوم روانی و رسانه‌ای قدرت‌های غربی منجر شده است (تبشیری و رفیعی، ۱۴۰۱: ۸۶-۹۱). در جمع‌بندی، اسلام‌هراسی محصول مهندسی رسانه‌ای و سیاسی چندلایه‌ای است که با هدف مهار الگوهای هویتی - تمدنی اسلام و ایران دنبال می‌شود و رویارویی مؤثر با آن، مستلزم بازتعریف گفتمانی و کنشگری فعال برای تبیین تصویر واقعی و معنوی اسلام در عرصه بین‌الملل است.

۲.۴. شیعه‌هراسی

شیعه‌هراسی، به‌عنوان طرحی امنیتی و رسانه‌ای چندلایه از سوی نظام سلطه، طی دهه‌های اخیر ابعاد و کارویژه‌هایی فراتر از گذشته یافته است؛ به‌گونه‌ای که این پدیده از سطح عملیات تبلیغاتی صرف عبور کرده و به راهبرد کلان برای رویارویی و مهار قدرت هویتی و اجتماعی تشیع، به‌ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی و تثبیت محور مقاومت در منطقه بدل شده است (کشاوری شگری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸ و ۱۵۴؛ توال، ۱۳۷۹: ۱۳۷). تثبیت و گسترش اقتدار الهام‌بخش جمهوری اسلامی و حضور معنادار جریان مقاومت از لبنان تا یمن و عراق، ساختارهای قدرت نرم و ظرفیت بسیج مردمی تشیع را در قامت الگویی رقیب نظم غربی و صهیونیستی، برجسته ساخته است (واعظی و جوادی عاملی، ۱۳۹۵؛ کلاته، ۱۳۸۸: ۱۵۵). افزایش حضور شبکه‌های سیاسی و فرهنگی متکی بر مفاهیمی همچون عاشورا، جهاد، مهدویت و ولایت فقیه، شکل‌گیری هویت نوین مقاومت را رقم زده، و کارآمدی عقلانیت اجتهادی شیعه در صحنه مبارزه با تروریسم سازمان‌یافته و بازگشت امنیت منطقه‌ای شاخص شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۸۷؛ شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶: ۷۰). در این بستر، محور مقاومت با به‌کارگیری ظرفیت‌های اجتماعی، مردم‌محور و الهی، نه‌تنها موجبات نگرانی و واکنش نظام سلطه را پدید آورده، بلکه منافع غرب و صهیونیسم را با تهدیدی واقعی روبه‌رو ساخته، و خیزش نظم بدیل منطقه‌ای با هویت شیعی را شتاب بخشیده است (هانتینگتون، ۱۳۹۸؛ ادیب، ۱۳۸۸: ۲۸۶). تشدید طرح شیعه‌هراسی، با بهره‌گیری از شبکه‌های رسانه‌ای، عملیات روانی و ترور شخصیت، نظام سیاسی و هویتی تشیع و جریان مقاومت را به‌مثابه عامل بی‌ثباتی، افراط‌گرایی و تهدید برای منطقه و به‌ویژه اهل سنت معرفی کرده است؛ از این‌رو ابزارهایی چون سیاست برچسب‌زنی، وارونه‌نمایی قدرت مردمی راهپیمایی اربعین و طرح هلال شیعی پیوسته

فعال شده است تا مانع الگوشدن این گفتمان در میان ملت‌های مسلمان و دیگر ملت‌های معارض سلطه شود (کشاورز شکری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۴۸). واقعیت آن است که این راهبرد، بیش از اینکه از ریشه‌های فرقه‌ای ناشی شده باشد، واکنشی است به ظهور تمدنی و عقلانیت فزاینده شیعه و محور مقاومت که الگوی الهی، مردم‌پایه و عدالت‌محور این جریان را در سطح نظم جدید منطقه‌ای و جهانی برجسته ساخته است. بدین ترتیب، هرچند قدرت‌های سلطه‌گر با تکیه بر ابزارهای رسانه‌ای، امنیتی و فرهنگی می‌کوشند تصویر شیعه را مخدوش کنند و ظرفیت تمدن‌سازی آن را مسدود سازند، اما واقعیت‌های هویتی و مشروعیت درونی و مردمی این نهضت، نشان داده است که راهبرد مقاومت و کنشگری فعال شیعی، همچنان می‌تواند بر سیاست‌های مهار و تخریب سلطه، فائق آید (کشاورز شکری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۵). به‌طور کلی امواج شیعه‌هراسی طی چند سال اخیر در شکل زیر آورده شده است.

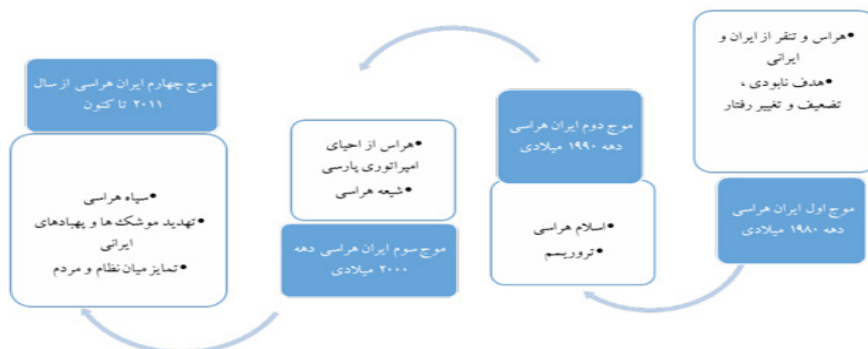


شکل ۲. امواج شیعه‌هراسی در سال‌های اخیر (کشاورز شکری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸ - ۱۵۶)

۴.۳. ایران هراسی

ایران هراسی، در استمرار زنجیروار طرح‌های اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، به‌عنوان یکی از ابرازهای کلیدی نظام سلطه در چهار دهه اخیر، علیه جمهوری اسلامی ایران فعال شده

است. این طرح، نه تنها به عنوان واکنشی به تحولات داخلی و دستاوردهای انقلاب اسلامی، بلکه به منزله تلاش سامانمند برای مهار قدرت هویتی و اجتماعی ایران و تثبیت محور مقاومت در منطقه طراحی شده است (زاده‌علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). نظام سلطه، با هدف تخریب مشروعیت سیاسی و هویتی جمهوری اسلامی، سعی کرده است تا از طریق تصویرسازی «ایران به عنوان تهدید»، تصویر واقعی جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی را تحریف کند (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۱۵؛ دانش و یکدست، ۱۴۰۱: ۸). در این راستا، از ابزارهای گوناگونی مانند عملیات روانی، تحریک گسل‌های هویتی و بزرگ‌نمایی اتهامات هسته‌ای بهره‌برداری شده است (کشاوری شکری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶). این هراس در موج‌های گوناگونی از جمله تضعیف روابط با همسایگان و ایجاد واگرایی، تجهیز شکاف‌های فرقه‌ای و شکل‌دهی به ائتلاف‌های نظامی مانند «ناتوی عربی» بروز یافته است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱؛ نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۱-۲۵۶). درواقع، ایران‌هراسی به عنوان راهبردی فعال، منعطف و چندبُعدی، بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر نظام سلطه به شمار می‌آید که به تثبیت موقعیت نابرابر جمهوری اسلامی در صحنه جهانی و به چالش کشیدن قدرت نرم آن پرداخته است (جاودانی مقدم، ۱۴۰۱: ۷۵-۷۸). ایران‌هراسی تلاش کرده است تا تصویر ایران را معلول بنیادگرایی و بی‌ثباتی جلوه دهد و به عنوان عاملی برای توجیه مداخلات نظامی و تحریم‌های اقتصادی بهره‌برداری کند (هانتینگتون، ۱۳۹۸؛ تبشیری و رفیعی، ۱۴۰۱: ۸۶-۹۱). با اینکه نظام سلطه به این سیاست ادامه می‌دهد، واقعیت‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این تلاش‌ها نتوانسته است مانع از طرح الگوی حکمرانی مستقل و الهام‌بخش ایران شود (تبشیری و رفیعی، ۱۴۰۱: ۸۴). بنابراین، ایران‌هراسی نه تنها واکنشی به واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی ایران است، بلکه ابزاری مؤثر در زنجیره‌ای از طرح‌های تبلیغاتی و روانی برای تضعیف تصویر و نفوذ ایران در جهان است و همچنان مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌ها برای جمهوری اسلامی را در عرصه‌های بین‌المللی شکل می‌دهد. به‌طور کلی امواج طرح ایران‌هراسی نظام سلطه به‌منظور رویارویی با نفوذ ایران در شکل ذیل آورده شده است



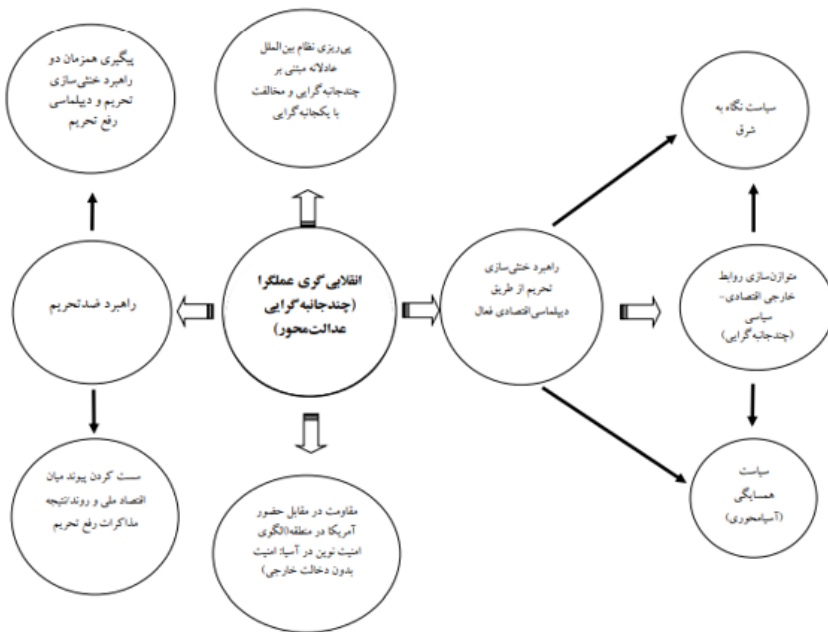
شکل ۳. امواج ایران هراسی در سال‌های اخیر (جاودانی مقدم، ۱۴۰۱: ۷۵-۷۶)

۴.۴. گفتمان شهید رئیسی

در دوران ریاست جمهوری شهید آیت‌الله رئیسی، سیاست خارجی بر پایه‌های عدالت‌محوری، انقلابی‌گری عمل‌گرا و چندجانبه‌گرایی بنا شد که هدف اصلی آن تقویت استقلال ملی از طریق راهبرد «نگاه از درون به برون» بود. ایشان در مجامع بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، ضمن نقد جدی تمدن غرب و تناقضات آن در زمینه حقوق بشر و عدالت، با استناد به تحریم‌های غیر انسانی، فروش تسلیحات و حمایت از تروریسم، ماهیت سلطه‌گر آن را آشکار ساختند (رضایی، ۱۴۰۰: ۳۰). این رویکرد با اولویت‌بخشی به سیاست «نگاه به شرق» و تقویت روابط با کشورهای مستقل مانند چین و روسیه، همراه با عضویت در سازمان همکاری شانگهای و بریکس، نشان‌دهنده عبور ایران از سلطه غربی بود. این «انقلابی‌گری عمل‌گرایانه» با رویکرد عدالت‌محور، توانایی رویارویی با تهدیدات نظام سلطه را به نمایش گذاشت (سلیمانی، ۱۴۰۱: ۲۰). راهبرد دوگانه «رویارویی فعال با تحریم و مذاکرات رفع آن» از طریق دیپلماسی فعال اقتصادی، به‌ویژه با همسایگان و کشورهای شرقی، مورد تأکید قرار گرفت. شهید رئیسی، مقاومت در برابر حضور امریکا در منطقه را عامل ثبات و امنیت پایدار و الگوی مقاومت، از جمله نقش شهید سلیمانی را راهکاری کلیدی در برابر سیاست‌های بی‌ثبات‌ساز غرب و تروریسم تکفیری معرفی کرد. تأکید بر همگرایی منطقه‌ای در برابر دخالت‌های خارجی، به‌عنوان تنها راه دستیابی به امنیت فراگیر مطرح شد (محسنی و کالوت، ۲۰۱۷: ۴). تنظیم «چندجانبه‌گرایی» با تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی، استفاده از کریدورهای اقتصادی نوین و تقویت دیپلماسی

فعال، ازجمله راهکارهای عبور از محاصره اقتصادی بود. سیاست همسایگی و ایجاد زنجیره‌های تولید منطقه‌ای، به‌عنوان عوامل اقتدار ایران و جبهه مقاومت و تضعیف‌کننده شبکه‌های سلطه‌گر تلقی شد. این چهار مؤلفه - عدالت‌محوری، چندجانبه‌گرایی، مقاومت فعال در برابر نظام سلطه و اقتصاد مقاومتی - نه‌تنها پاسخی به چالش‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی بود، بلکه الگوسازی از مقاومت و اثبات توانمندی هویت انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی را در عرصه بین‌المللی به‌همراه داشت (کشاورز شکری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸ و ۱۵۴-۱۵۵؛ توال، ۱۳۷۹: ۱۳۷؛ جوادی، ۱۳۸۹: ۶). این گفتمان، تصویری عزتمند و عدالت‌محور از جمهوری اسلامی ارائه داد و در تحقق استقلال واقعی و نظم نوین مبتنی بر عدالت، معنویت و عقلانیت، نقشی پیشگام ایفا کرد. شاکله کلی این گفتمان در شکل ذیل آورده شده است.

۶۰



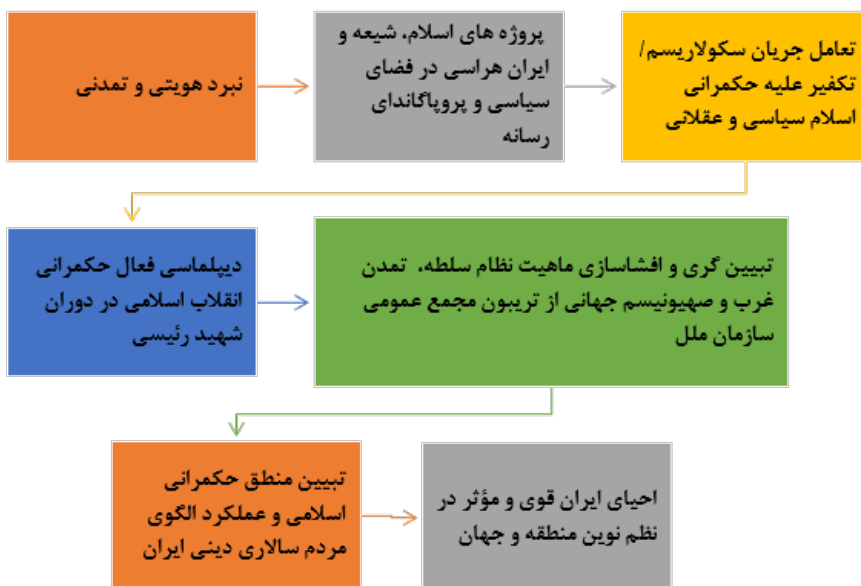
شکل ۴. شاکله کلی گفتمان دولت شهید رئیسی در داخل و خارج (سلیمانی، ۱۴۰۱: ۳۰-۳۲)

۵. الگوی مفهومی: نمادگرایی به‌مثابه سیاست خارجی معناگرا

تحول در عرصه روابط بین‌الملل طی دهه‌های اخیر سبب شد قدرت، دیگر محدود

به ابعاد سخت و سنتی مانند ظرفیت نظامی و اقتصادی نباشد؛ بلکه اهمیت عوامل غیر مادی، به‌ویژه هویت، فرهنگ و ارزش‌های نمادین، به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گیرد (ونت، ۱۳۸۴: ۵۴۰؛ جمشیدی و نقدی، ۱۴۰۰: ۱۵۶-۱۵۷). در این روند، سیاست خارجی تحت تأثیر تفکرات سازه‌انگارانه و معناگرا، از قالب برداشت‌های صرفاً عینی خارج شد و معنا، هویت و ساختارهای ادراکی به جایگاه اصلی در تحلیل سیاست خارجی ارتقا یافت (ونت، ۱۳۸۴: ۴۵۸-۴۶۲؛ مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۵۴-۷۴)؛ لذا امنیت و تهدید، برساخته‌های اجتماعی تلقی می‌شود که در پرتو فهم جمعی، تفسیرهای هویتی و بازنمایی‌های نمادین شکل می‌گیرد و در نظام بین‌الملل معاصر، عناصر معنا ساز و نمادین نقشی محوری یافته است (بیگی، ۱۳۸۸، جمشیدی و نقدی، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۴). در نتیجه، مرزهای سیاست خارجی فراتر از ابعاد سرزمینی و اقتدار فیزیکی، به عرصه فرهنگ و هویت کشیده شده است. انتقال مؤلفه‌های هویتی، ارزش‌های فرهنگی و بازنمایی نمادهای تاریخی، در تنظیم سیاست خارجی و برهم‌کنش با دیگر بازیگران، اهمیتی بنیادین پیدا کرده است (ابراهیمی و زمانیان، ۱۳۹: ۲-۶، عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۰۸). مفهوم قدرت نرم، به‌ویژه با تبیین جوزف نای، تکیه بر جذابیت روایت، جلوه‌های فرهنگی، هنر و اسطوره دارد که بدون تهدید و اجبار، امکان اقناع و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و دولت‌ها را فراهم می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۹، نای، ۱۳۸۷: ۸۳). از همین رو، گسترش نمادها، روایت‌ها و گفتمان‌های بدیل فرهنگی، دیپلماسی عمومی کشورها را به ابزاری راهبردی برای تولید معنا و تثبیت مشروعیت در سطح جهانی بدل ساخته است (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۱۰). ایران در چهارچوب این تحول پارادایمی، با تمرکز بر مؤلفه‌های فرهنگی و معنوی برگرفته از هویت اسلامی - ایرانی و ظرفیت تمدنی خود، رویکردی مبتنی بر بازتولید معنای مقاومت و هویت فرهنگی را دنبال می‌کند و می‌کوشد الگوی جدیدی مبتنی بر دیپلماسی نرم و جنگ روایت‌ها در سیاست خارجی خود تعریف کند (درخشه و اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۲؛ پورعلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۲). تجربه‌های منطقه‌ای نشان داده است که تکیه بر نمادها و روایت‌های تاریخی و هویتی، حتی در رویارویی با سلطه رسانه‌ای، پیامدهای مؤثری در ارتقای مشروعیت و قدرت ادراکی جمهوری اسلامی داشته است (درخشه و اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۱-۳۲). در این میان، دیپلماسی فرهنگی و نمادین

با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند هنر، اسطوره، پرچم، سرود و چهره‌های تاریخی و ملی، نه‌تنها بر تثبیت هویت جمعی و همبستگی اجتماعی می‌افزاید، بلکه بستر لازم برای شکل‌دهی گفتمان‌های بدیل و بازتعریف مشروعیت در سطح فراملی را نیز مهیا می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۴: ۳۴۹-۳۵۰؛ خانی، ۱۳۸۴: ۲۲۷). مطابق تحلیل‌های جدید، قدرت نرم و دیپلماسی مبتنی بر روایت، فرصتی برای ارتقای جایگاه کشورهای است که می‌توانند منابع فرهنگی و نمادین خود را برای اقناع افکار عمومی و کسب مشروعیت بین‌المللی به خدمت بگیرند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۰۶). سرانجام، سیاست خارجی معناگرا و مبتنی بر نماد در سپهر نوین بین‌المللی، با پیوند دادن لایه‌های هویتی، فرهنگی و ارزشی و بهره‌گیری از روایت و دیپلماسی عمومی، ابزار لازم برای تثبیت قدرت نرم و ارتقای جایگاه ادراکی کشور را فراهم می‌آورد. این تحول نه‌تنها از دید نظری بلکه در ساحت عمل نیز راهبردی مؤثر برای ارتقای اعتبار و پایداری نفوذ ملی در ساختار جهانی به‌شمار می‌رود (جمشیدی و نقدی، ۱۳۹۶: ۱۴). در همین راستا، دولت شهید رئیسی با اتخاذ راهبرد دیپلماسی فعال و روایت‌محور، متکی بر اصول حکمرانی انقلاب اسلامی و تجربه تاریخی دولت‌های پیشین، تلاش کرد تا ضمن تبیین و تثبیت گفتمان خود در ساحت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، با حضور آگاهانه و توانمند در تریبون‌های معتبر جهانی - به‌ویژه مجمع عمومی سازمان ملل - نسبت به شفاف‌سازی و افشای وجوه متناقض عملکرد نظام سلطه و دستگاه‌های تبلیغاتی آن دست یابد و جایگاه معنای بدیل جمهوری اسلامی ایران را در هندسه جدید جهانی، تقویت کند. مهم‌ترین محورها و چارچوب تحلیلی نظام‌مند اندیشه‌های ایشان و دستگاه دیپلماسی این دولت در شکل ذیل آورده شده است.



شکل ۵. الگوی مفهومی پژوهش (نگارنده)

در سپهر رقابت‌های هویتی و معنایی معاصر، تقابل گفتمان انقلاب اسلامی با نظام سلطه جهانی وارد مرحله‌ای شده است که در آن روایت‌سازی، معناپردازی و بهره‌گیری از سرمایه‌های نمادین نقشی تعیین‌کننده یافته است. طرح‌های اسلام‌هراسی، شیعه‌ستیزی و ایران‌هراسی هدایت‌شده از سوی جبهه استکبار و صهیونیسم جهانی، با اتکا به برجسب‌زنی، تحریف واقعیت و عملیات روانی سازمان‌یافته، در پی تضعیف مشروعیت و نفوذ محور مقاومت هستند و برای این منظور از شبکه‌ای هماهنگ از ابزارهای رسانه‌ای، سیاسی و فرهنگی بهره می‌برند. در برابر این راهبردها، منطق حکمرانی انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر سرمایه‌های معنایی و تاریخی و مفاهیمی چون عدالت، مقاومت و جهاد تبیین، کوشیده است فراتر از دفاع واکنشی، با بازخوانی انتقادی واقعیت‌ها، دوگانگی‌ها، منافع و سیاست‌های پوششی نظام سلطه را افشا کند. نمود عینی این رویکرد در سه حضور متوالی و تأثیرگذار شهید آیت‌الله رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل قابل مشاهده است؛ جایی که سخنرانی‌های وی نه تنها پاسخی به اتهامات رایج، بلکه تلاشی هدفمند برای بازتعریف منطق حکمرانی اسلامی، برجسته‌سازی هویت جمهوری اسلامی و افشای تناقض‌های گفتمان سلطه در حوزه‌هایی چون حقوق بشر، تروریسم و امنیت جهانی بود.

با این حال، پرسش‌هایی اساسی باقی است: جهاد تبیین مبتنی بر سرمایه‌های معنایی و روایی تا چه حد توانسته است طرح‌های پروپاگاندایی دشمنان را خنثی کند و در بازتعریف ذهنیت افکار عمومی جهانی و معادلات قدرت تأثیرگذار باشد؟ همچنین ظرفیت‌های معنایی انقلاب اسلامی در پایداری نبرد روایت‌ها و مهار جنگ روانی چگونه قابل سنجش است؟ برای این اساس، این مقاله می‌کوشد با تکیه بر الگوی مفهومی مورد نظر، تجربه دیپلماسی فعال شهید رئیسی در سازمان ملل را به مثابه عرصه‌ای از حکمرانی مبتنی بر معنا بررسی کند و میزان موفقیت آن را در خنثی‌سازی تبلیغات دشمن و تثبیت روایت مقاومت، در چارچوب تحلیلی و نقادانه واکاوی کند.

۶. یافته‌های توصیفی

۶.۱. شناسه‌گذاری باز^۱

جدول ۱. شناسه‌های اولیه جمع‌آوری‌شده از سخنان شهید رئیسی
در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل

تاریخ و مخاطب بیانات	گزیده جمله‌ها/ بیانات	شناسه‌گذاری باز
مجمع عمومی سازمان ملل، شهریور ۱۴۰۰	من به‌عنوان منتخب ملت بزرگ ایران مفتخرم که به نمایندگی از آن‌ها، پیام عقلانیت، عدالت و آزادی را که سه اصل اساسی برای حیات انسان معاصرند، به جهان برسانم. این سه اصل که وجه مشترک تمام ادیان ابراهیمی است، بدون معنویت به سرمنزل مقصود نخواهد رسید	سیاست‌ورزی معنارای اسلامی
همان	در سال گذشته، دو تصویر تاریخ‌ساز شد: ۶ ژانویه که کنگره آمریکا مورد هجوم مردم آمریکا قرار گرفت و در اگوست که مردم افغان از هواپیمای آمریکایی به پایین پرتاب شدند. از کپیتال تا کابل یک پیام به جهان مخابره می‌شود و آن: نظام سلطه آمریکایی اعتبار است؛ چه در داخل چه در خارج	فرسایش نظم هژمونیک
همان	نتیجه هژمونی‌طلبی، خونریزی و بی‌ثباتی، نهایتاً شکست و فرار است. امروز آمریکا از عراق و افغانستان خارج نمی‌شود، بلکه اخراج می‌شود	افول انحصار هژمونیک
همان	تحریم روش جدید جنگ آمریکا با ملت‌ها است. تحریم علیه ملت ایران نه از زمان برنامه هسته‌ای و نه حتی انقلاب اسلامی شروع شد، بلکه از سال ۱۹۵۱ یعنی زمان ملی‌شدن صنعت نفت آغاز گردید. در ادامه کودتا منجر به کودتای نظامی علیه دولت منتخب ملت ایران شد توسط آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها. تحریم، بخصوص تحریم دارو، در دوران کرونا، جنایت علیه بشریت است	حافظه تاریخی استعمار

۱. در جدول تلاش شد به‌صورت خلاصه‌شده به بخش‌هایی از صحبت‌های شهید رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل متناسب با الگوی مفهومی پژوهش آورده شود. به خاطر محدودیت حجم مطالب، امکان آوردن مطالب بیشتر نبود.

تاریخ و مخاطب بیانات	گزیده جمله‌ها/ بیانات	شناسه‌گذاری باز
همان	بحران‌های جامعه بشری از جمله خشونت، فقر، بیکاری و فساد اخلاقی و اقتصادی، فروپاشی نظام خانواده، جنگ‌های منطقه‌ای، تروریسم سازمان‌یافته و بحران‌های زیست‌محیطی همگی ناشی از بی‌توجهی به اصول عقلانیت، عدالت و آزادی است. تهی‌بودن زندگی مدرن از معنا و معنویت و همچنین گسترش فقر و تبعیض و ظلم، تروریست و..	بحران مشروعیت مدرنیته
همان	تلخ‌تر از آن، استفاده از تروریسم به‌عنوان ابزار سیاست خارجی است. با استانداردهای دوگانه نمی‌توان با تروریسم مقابله کرد؛ یکجا تروریسم را ساخت، مثل ساختن داعش و جای دیگری با آن مبارزه کرد	دوگانگی گفتار - کنش
همان	جمهوری اسلامی ایران در عین دفاع قاطع از تمامی حقوق و منافع ملت ایران، به‌دنبال همکاری و همگرایی گسترده اقتصادی و سیاسی با جهان است. من به‌دنبال تعامل مؤثر با همه کشورهای جهان بخصوص کشورهای همسایه هستم و دست آن‌ها را به گرمی می‌فشارم	دیپلماسی همگرایانه فعال
همان	معیار اساسی برای ساخت جهانی بهتر، عدالت است. همه آرمان‌های بشری، نهایتاً با عدالت سنجیده می‌شوند. «عقلانیت مبتنی بر وحی» قائل به چارچوبی وسیع برای عدالت است؛ عدالت یعنی نفی ظلم. ما پرچم‌دار عدالتی هستیم که همه سطوح ظلم، اعم از «ظلم به خود، خدا، جامعه و جهان هستی» را نفی می‌کند	حکمرانی عادلانه اسلامی
مجمع عمومی سازمان ملل، شهریور ۱۴۰۱	ما براین باوریم که برای مقابله با تهدیدهای دیرین و مضلّات نوین جهانی، گزینه‌های جز همبستگی و همکاری در چارچوب چندجانبه‌گرایی مبتنی بر عدالت و بر اساس اصول و ارزش‌های متعالی انسانی منبعت از آموزه‌های انبیا الهی وجود ندارد	چندجانبه‌گرایی عدالت‌محور
همان	مسئله این است که دولتی از آن طرف کره زمین، تصمیم گرفت که جغرافیای منطقه ما را به قیمت ریختن خون صدها هزار زن و کودک، دوباره خط‌کشی کند، اما جمهوری اسلامی، این پروژه را متوقف کرد و سپس به عقب راند. فرماندهی و قهرمان این جنگ علیه تروریسم و نابودکننده داعش کسی نبود جز سردار شهید حاج قاسم سلیمانی	مهار تروریسم تکفیری
همان	امروز ما در عین صادرات نفت و گاز، شبکه گسترده توزیع برق و گاز را در سراسر کشور ایجاد کرده‌ایم؛ در دانش و علوم پیشرفته از جمله سلول‌های بنیادین، صنایع فضایی، بایو و نانوتکنولوژی و علوم هسته‌ای پیشتاز هستیم؛ رشد ایران در شاخص‌های توسعه انسانی، چشمگیر است	توسعه پایدار بومی
همان	تمایل دارم توجه شما را به یکی از جلوه‌های غم‌انگیز بی‌عدالتی که سرمنشأ همه بحران‌های منطقه است جلب کنم. تاریخ معاصر، ملتی مظلوم‌تر از فلسطین و ظالم‌تر از رژیم اشغالگر قدس به خود ندیده است. دولت‌های مدعی آزادی و دموکراسی باید پاسخ بدهند که چرا از فرمول روشن و عادلانه جمهوری اسلامی برای حل مسئله فلسطین فرار می‌کنند؟	بحران مشروعیت صهیونیسم
همان	این در حالی است که دولت‌های مدعی، خودشان هم تولید سلاح‌های هسته‌ای را ادامه داده و هم به کار برده‌اند و هم این تسلیحات را به رژیم صهیونیستی هدیه داده‌اند. کشورهایی که باید خلع سلاح شوند، جایزه می‌گیرند و کشورهایی که به تعهدات خود پایبند بوده‌اند، حتی از حقوق مندرج در ان‌پی‌تی نیز محروم می‌شوند	سیاست خارجی متناقض

تاریخ و مخاطب بیانات	گزیده جمله‌ها/ بیانات	شناسه‌گذاری باز
مجمع عمومی سازمان ملل، مهر ۱۴۰۲	آیا این نخستین بار است که کلمات خداوند را می‌سوزانند و گمان می‌کنند، صدای ملکوت را برای همیشه قطع می‌کنند؟ آیا نمرود و فرعون و قارون بر ابراهیم و موسی و عیسی پیروز شدند؟ قرآن، توهین به عقاید و باورها را منع کرده و احترام به ابراهیم و موسی و عیسی را احترام به محمد(ص) می‌داند	نقض آزادی دینی
همان	این مفاهیم وحدت‌بخش و تعالیم متعالی، الهام‌بخش، انسان‌ساز، جامعه‌ساز و تمدن‌ساز انبیا برای جوامع بشری، ابدی‌اند و هرگز نمی‌سوزند. آتش توهین و تحریف، هرگز حریف «حقیقت» نخواهد شد	دستکاری حقیقت رسانه‌ای
همان	اسلام‌ستیزی و آپارتاید فرهنگی، در صورت‌های مختلف خود از جمله سوزاندن کتاب مقدس قرآن تا منع حجاب در مدارس و ده‌ها تبعیض شرم‌آور دیگر، شایسته پیشرفت‌های انسان معاصر نیست	آپارتاید هویتی ضداسلام
همان	ما در یک دوره سرنوشت‌ساز تاریخی قرار گرفته‌ایم. جهان در حال تغییر و گذار به نظم بین‌المللی نوظهور است و این مسیر غیر قابل بازگشت است. معادله سلطه غربی برای جهان، دیگر جواب نمی‌دهد. نظم کهنه لیبرال که در خدمت منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران سیری‌ناپذیر بود کنار زده شده و در یک کلام، پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است	گذار نظم جهانی
همان	منطقه غرب آسیا به خاطر تجربه طولانی استعمار و تجاوزات نظامی مکرر، فرصت‌های زیادی را برای توسعه و پیشرفت از دست داده است. اینک که با هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای، دکتترین مقاومت، امواج اشغالگری و تروریسم را با موفقیت به عقب رانده، فرصت و عصر جدیدی برای منطقه رقم خورده است	احیای دکتترین مقاومت
همان	با تولید و انتشار ده‌ها هزار خبر و گزارش دربار ایران، واقعیت‌های مهمی از ایران در سراسر جهان سانسور می‌شود. آیا شما تاکنون چیزی درباره بمباران شیمیایی مردم ایران شنیده‌اید؟ آن سلاح‌های شیمیایی را برخی از اروپایی‌ها به صدام داده بودند. آیا تصویر مصدومان شیمیایی را که هنوز زنده‌اند، ولی حدود ۳۵ سال است که در بیمارستان بستری هستند و درد می‌کشند، دیده‌اید؟ آیا تصویر کودکان مبتلا به بیماری پروانه‌ای که به خاطر تحریم دارو توسط آمریکا و برخی کشورهای غربی، درد می‌کشند، دیده‌اید؟	سانسور ساختاری رسانه
همان	مدیریت و بهره‌برداری برخی سرویس‌های امنیتی غربی از بستر گروه‌های افراطی و به‌ویژه جابجایی هدفمند نیروهای جنگجوی خارجی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی نیز به این نگرانی‌ها دامن می‌زند. چرا در عین ادعای مبارزه با تروریسم، به پناهگاه امن گروه تروریستی‌ای تبدیل شده‌اند	دوگانه‌سازی تروریسم

شناسه‌های سازمان‌دهنده و فراگیر بر اساس شناسه‌های اولیه در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۲. شناسه‌های سازمان‌دهنده و فراگیر بر اساس شناسه‌های اولیه

شناسه‌های فراگیر	شناسه‌های سازمان‌دهنده
معنویت‌گرایی و عدالت‌جویی	نقد بی‌عدالتی، معنویت‌گریزی، بحران مدرنیته، نفی ظلم
افشای ساختار سلطه	افول سلطه آمریکا و غرب، سیاست دوگانه، مسئولیت‌ناپذیری، حافظه تاریخی منفی، تجربه تحریم
مقاومت فعال و جهاد تبیین	رویارویی با پروپاگاندا، جهاد تبیین، روایتگری واقعیت، نشان دادن فشارهای رسانه‌ای
توسعه پایدار و کارآمدی	تحریم، پیشرفت علمی، عملکرد اقتصادی و اجتماعی مثبت، استقلال و کارآمدی
تعامل‌گرایی و صلح‌گرایی	چندجانبه‌گرایی، دیپلماسی فعال، رویکرد ضد جنگ، سیاست همسایگی
محور مقاومت و دفاع از فلسطین	بحران فلسطین، افشای رژیم صهیونیستی، حمایت از مظلومیت و عدالت فلسطین
نقد سانسور و تحریف	سانسور واقعیت‌ها، تحریف وقایع، افشای استاندارد دوگانه در رسانه‌های غربی
نمادگرایی اسلامی و شیعی	بالا بردن عکس شهید سلیمانی، بالا بردن قرآن، از بین بردن تکفیر و تروریسم، شبکه جهانی مقاومت

۶۷

۷. یافته‌های تحلیلی

بررسی سه سخنرانی شهید دکتر سید ابراهیم رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل، چند مضمون کلیدی را در رابطه با راهبرد جمهوری اسلامی برای خنثی‌سازی پروپاگاندا، نظام سلطه برجسته می‌سازد.

۷.۱. بازتعریف هویت و مشروعیت حکمرانی انقلاب اسلامی

بازخوانی متون سخنرانی‌های شهید رئیسی حاکی است که یکی از محورهای پیوسته راهبردی ایشان، تأکید بر تمایز هویتی جمهوری اسلامی با نظام سلطه است. رئیسی با اشاره به سابقه تاریخی و تمدنی ایران و پیوند آن با مبانی اسلام سیاسی، در تلاش است مخاطب جهانی را متقاعد کند که جمهوری اسلامی واجد یک ریشه‌یابی مشروعیت‌بخش و استقلال‌آفرین است. این بازتعریف هویت نه تنها ایران را در جایگاه وارث تمدن دیرپا و پیش‌قراول ارزش‌های معنوی قرار می‌دهد، بلکه الگویی برای کشورهای مستقل و آزادی‌خواه ارائه می‌کند. تأکید مداوم بر مؤلفه‌هایی چون مردم‌سالاری دینی، عدالت و

مردم‌محوری، نشانه این است که رئیسی سعی دارد روایت انقلاب اسلامی را فراتر از یک جنبش سیاسی، به‌عنوان پروژه تمدنی معرفی کند؛ پروژه‌ای که ماهیت آن به‌هیچ وجه در قالب‌ها یا چارچوب‌های تعریف‌شده نظام سلطه نمی‌گنجد. این بازخوانی، زمینه را برای مشروعیت‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی، چه در میدان داخلی و چه در عرصه بین‌المللی فراهم می‌سازد و به شکل‌گیری گفتمان الهام‌بخش کمک می‌کند که توان مقاومت در برابر فشارها و تبلیغات خصمانه را افزایش می‌دهد. در همین راستا، رئیسی همواره با برجسته‌سازی پیشرفت‌های علمی، فناوری و امنیت‌محور ایران، تلاش می‌کند نشان دهد که الگوی انقلاب اسلامی نه‌فقط در حوزه شعار، بلکه در عمل نیز توانمند و قابل عرضه به جهان است؛ بنابراین بازتعریف هویت و مشروعیت انقلاب چیزی فراتر از دفاع صرف بوده و نوعی بازیابی سوژه تاریخی و تمدنی در برابر نگاه سلطه‌گر است.

۲.۷. تقابل فعالانه با پروپاگاندای رسانه‌ای غرب

یکی از مهم‌ترین مضمون‌های سخنرانی‌های رئیسی، رویکرد تهاجمی و فعالانه در برابر طرح‌های رسانه‌ای و تصویرسازی منفی غرب است. برخلاف رویکردهای منفعلانه پیشین که تنها پاسخ‌دهی به شبهات را هدف قرار داده بود، رویکرد شهید رئیسی بر افشای جریان‌سازان پروپاگاندای خصمانه و تبیین اهداف آن‌ها استوار است. او با اشاره به برنامه‌های نظام‌مند «ایران‌هراسی»، «اسلام‌هراسی» و «شیعه‌هراسی»، ساختار پشت پرده عملیات روانی و رسانه‌ای قدرت‌های غربی را تحلیل و معرفی می‌کند. رئیسی این طرح‌ها را بخشی از راهبرد کلان برای تضعیف الگوی حکمرانی اسلامی و پیشگیری از الگوشدن آن در سطح جهانی می‌داند. افزون بر این، او برای رویارویی با این سیاه‌نمایی، به سیاست بازنمایی مصداق‌های موفقیت‌آمیز ایران در عرصه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی تأکید می‌ورزد و تلاش می‌کند واقعیات ایران معاصر را خلاف روایت جریان مسلط رسانه‌ای ارائه کند. این رویارویی بر مبنای «جهاد تبیین» صورت می‌پذیرد؛ نه برای صرف دفاع از خود، بلکه برای نمایاندن ناتوانی و ضعف‌های گفتمانی غرب و شفاف‌سازی اهداف پشت پرده نقشه‌های تبلیغاتی نظام سلطه. نتیجه اینکه گفتمان شهید رئیسی، به افکار عمومی فرصت مقایسه میان روایت مستقل ایران و تبلیغات هدمند سلطه را می‌دهد و در میان مخاطبان نخبگانی جهان تردیدهای تازه‌ای نسبت به ادعاهای نظام سلطه برانگیخته است.

۳. ۷. نقد عملکرد غرب و افشای استانداردهای دوگانه

تحلیل روایت‌های رئیسی به‌روشنی نشان می‌دهد که نقد عملکرد غرب و افشای استانداردهای دوگانه، بخش اصلی از استدلال و میدان‌داری گفتمانی وی را به خود اختصاص می‌دهد. او در سخنرانی‌های خود با مصداق‌هایی همچون حمایت غرب از رژیم صهیونیستی، استفاده ابزاری از تروریسم، تحریم‌های غیر انسانی و نقض حقوق بشر، واقعیت سیاست‌های ضد انسانی و سیاست‌های مداخله‌جویانه را به چالش کشیده است. در این میدان، مسئله مهم فراتر از نقد یک دولت یا نهاد خاص، نقد ساختاری نظام معنایی و رفتاری غرب است: رئیسی بارها بر تضاد میان ادعاهای انسان‌دوستانه و عملکرد خشونت‌بار و منفعت‌محور غرب تأکید می‌کند و این دوگانگی را نشانه بحران قانون‌گریزی و مشروعیت‌زدایی در نظم غربی می‌داند. او سیاست‌های تحریمی را «جنایت علیه بشریت» و سانسور رویارویی ملت ایران با سلطه را «سانسور صبر و مقاومت» می‌نامد؛ همچنین نقد او به رویه‌های رسانه‌های غربی در سانسور مراسم‌های اربعین و دیگر نمادهای مقاومت اسلامی، از مهم‌ترین نموده‌های این رویکرد است. رئیسی با برجسته‌کردن این تناقض‌ها، ظرفیت اقتناع و بسیج افکار عمومی عدالت‌خواه و آزاداندیش را به‌شدت افزایش داده، و به‌تدریج فضای فکری لازم برای نقد مشروعیت اخلاقی و سیاسی نظام سلطه را در سطح بین‌المللی فراهم آورده است.

۴. ۷. ارائه الگویی بدیل برای حکمرانی و نظم جهانی

مطالعه عمیق‌تر سخنرانی‌های رئیسی نشان می‌دهد که او جمهوری اسلامی را نه تنها منتقد نظم موجود، بلکه به‌مثابه قدرت نوظهور پیشنهاددهنده نظم بدیل معرفی می‌کند. در تحلیل گفتمان رئیسی، این الگوسازی از دل اندیشه مردم‌سالاری دینی، عدالت، استقلال و توسعه همه‌جانبه برمی‌خیزد؛ مؤلفه‌هایی که بدیل رویکرد فردگرایانه و مادی‌گرای نظام لیبرال غربی معرفی می‌شوند. شهید رئیسی بر این باور است که بحران‌های هویتی، اخلاقی و ساختاری جوامع غربی ریشه در نبود عدالت و پشت پا زدن به ارزش‌های الهی دارد. از این‌رو، او چندجانبه‌گرایی، گفت‌وگو، احترام به فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون و نفی سلطه‌گری را ارکان نظم مطلوب جهانی می‌داند. تأکید او بر نقش سازمان ملل در طراحی سازوکارهایی برای تضمین احترام به ادیان الهی، نیز نشانه تلاش

برای نهادهای سازشی این ارزش‌ها در نظام بین‌الملل است. با این الگودهی، شهید رئیسی نه فقط از جمهوری اسلامی دفاع می‌کند، بلکه ظرفیت فراملی و تمدنی اندیشه انقلاب اسلامی را ترویج می‌کند و نقش ایران را از کشوری تنها واکنش‌گرا به بازیگری مکتب‌ساز و جریان‌ساز ارتقا می‌دهد؛ کنشی که به شکل‌گیری قطب‌های جدید فکری و سیاسی در عرصه جهانی کمک می‌کند.

۵. ۷. امنیت و مقاومت؛ جایگاه ایران در رویارویی با تروریسم بین‌الملل

نقش‌آفرینی ایران در عرصه امنیت منطقه‌ای و جهانی یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های گفتمان شهید رئیسی در سازمان ملل است. تحلیل محتوای سخنان او نشان می‌دهد که رئیسی هم‌زمان با نقد حمایت غرب از تروریسم و بی‌ثبات‌سازی منطقه، بر نقش کلیدی ایران در مبارزه واقعی با تروریسم، به‌ویژه در نابودی داعش، تأکید دوچندان دارد. در این زمینه، بازنمایی نقش شهید سلیمانی نه فقط بزرگداشت قهرمان ملی است، بلکه نماد کارآمدی جمهوری اسلامی در تولید امنیت، مبارزه با تروریسم بین‌الملل و مسئولیت‌پذیری راهبردی در نظم منطقه‌ای است. رئیسی بر این نکته تأکید می‌کند که روایت‌سازی غربی سعی در معکوس‌نمایی نقش ایران دارد؛ حال اینکه داده‌های میدانی و شواهد امنیتی منطقه نشان‌دهنده تأثیر مثبت و بنیادین ایران در رفع بحران‌ها است. طرح موضوع محاکمه عاملان ترور شهید سلیمانی و مطالبه عدالت‌محوری در سطح بین‌الملل، بخشی از راهبرد ایران برای اصلاح قواعد امنیت جهانی و نقد جدی به عملکرد نهادهای بین‌المللی در برخورد گزینشی با تروریسم تلقی می‌شود. این محور، منطق مقاومت و امنیت درون‌زا را به افکار عمومی بین‌المللی توضیح می‌دهد و مفهوم «مقاومت» را به‌مثابه راهبرد کلان، در برابر سازوکارهای امنیت‌زدای تحمیلی نظام سلطه برجسته می‌کند.

۴. ۷. تأکید بر ارزش‌های اسلامی به‌مثابه راهکار بحران‌های جهانی

گفتمان شهید رئیسی آشکارا ارزش‌های اسلامی را تنها راه برون‌رفت از بن‌بست‌های تمدنی حال حاضر جهان معرفی می‌کند. او در سخنرانی‌های خود، عدالت، کرامت انسانی، امت‌گرایی و بازگشت به ارزش‌های الهی را نه فقط شعار اخلاقی، بلکه راه‌حلی اجرایی برای بحران‌های عمیق هویتی، اجتماعی و سیاسی نظام بین‌الملل می‌داند. از دید او، شکست الگوی لیبرال - دموکراسی غرب و فرسودگی ارزش‌های سکولار، زمینه را برای

توجه جهانی به راهکارهای معنوی و الهی فراهم آورده است. تأکید او بر احترام به ادیان، نهی از تخریب مقدسات و پیشنهاد ارائه سازوکارهای بین‌المللی برای جلوگیری از توهین به ادیان، پیوندی عمیق میان ارزش‌های اسلامی و حقوق بنیادین انسان برقرار می‌کند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که رئیسی سعی می‌کند با اصرار بر آموزه‌های قرآنی، نقد خود را از توصیف صرف خارج کند و راه برون‌رفت عملی از بحران ریشه‌داری چون افول هویت، بی‌عدالتی و خشونت جهانی را مطرح سازد. این رویکرد، گفتمان انقلاب اسلامی را نه فقط برای مسلمانان، بلکه برای دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌های در جستجوی عدالت و معنویت، قابل توسل و الهام‌بخش نشان می‌دهد.

۷.۷. نگرش نمادین به قالب‌های رفتاری و سیاست خارجی معناگرا

مطالعه گفتمان سیاست خارجی شهید آیت‌الله رئیسی، به‌ویژه در تربیون‌های عالی‌رتبه‌ای همچون مجمع عمومی سازمان ملل، نشان می‌دهد که دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در دوره وی بر رویکردی معناگرا، هویت‌محور و نمادپردازانه استوار بوده است. این رویکرد با بهره‌گیری هدفمند از سرمایه‌های فرهنگی و هویتی و در چارچوب رهیافت‌های سازه‌انگارانه، کوشید از طریق قدرت نرم و روایت‌پردازی راهبردی، معادلات ادراکی و معنایی نظام بین‌الملل را به سود ایران بازتعریف کند.

در این میان، نمادسازی قرآنی جایگاهی محوری یافت؛ به‌گونه‌ای که تأکید مکرر شهید رئیسی بر قرآن کریم، نه تنها بیانگر هویت اسلامی و عامل وحدت‌بخش امت اسلامی بود، بلکه به مثابه ابزاری راهبردی برای رویارویی با طرح‌های اسلام‌هراسی و ایران‌ستیزی و بازتعریف جایگاه ایران به عنوان حامل پیام معنوی و تمدنی در عرصه جهانی عمل کرد. پیوند این نماد با ایده ساخت «تمدن نوین اسلامی»، آن را به ابزاری مؤثر در خنثی‌سازی جنگ معرفتی و رسانه‌ای دشمنان بدل ساخت.

هم‌زمان، برجسته‌سازی چهره نمادین شهید سردار سلیمانی در سخنرانی‌ها، به عنوان نماد مقاومت، امنیت و عزت فراملی، بازتاب‌دهنده الگوی سیاست خارجی عزت‌مدار و مبتنی بر مقاومت بود. این رویکرد نه واکنشی مقطعی، بلکه تلاشی راهبردی برای تثبیت میدان معنایی جدید در گفتمان مقاومت و رویارویی با طرح‌های تضعیف سرمایه اجتماعی ایران در سطوح منطقه‌ای و جهانی به‌شمار می‌رفت.

در پیوند این دو نماد، دیپلماسی نمادین شهید رئیسی، ساختاری بدیل در برابر نظام معنایی سلطه ایجاد کرد. تأکید بر ارزش‌های معنوی، افتخارات تاریخی و سرمایه تمدنی ایران، همبستگی اسلامی و محور مقاومت را به پشتوانه‌ای برای بازتعریف نقش ایران در نظم نوین جهانی تبدیل ساخت و تصویر ایران را به‌عنوان کشوری مستقل، معنویت‌محور و مدافع کرامت ملت‌ها تثبیت کرد. نقد استانداردهای دوگانه غرب، رویارویی با مداخلات سلطه‌گرانه و بازخوانی نقش ایران در مبارزه با تروریسم، همگی در چارچوب اقتدار هنجاری و بهره‌گیری از سرمایه نرم، گفتمان انقلاب اسلامی را با زبانی قابل فهم در سطح جهانی عرضه کرد.

در مجموع، سیاست خارجی معناگرایانه و روایت‌محور شهید رئیسی، پیوندی منسجم میان ابعاد معرفتی، هویتی و نمادین برقرار کرد و با فعال‌سازی ظرفیت‌های نرم و معنوی، امکان رویارویی خلاق و هدفمند با جنگ روایت‌ها را فراهم آورد. سخنرانی‌های وی در مجمع عمومی سازمان ملل را می‌توان نمونه‌ای روشن از تلفیق جهاد تبیین با دیپلماسی هویتی و الگویی مؤثر در خنثی‌سازی پروپاگاندای نظام سلطه و بازسازی تصویر جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی جهان دانست.

۸. نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطوح عالی بین‌المللی طی دوره ریاست‌جمهوری شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، به‌ویژه در مجمع عمومی سازمان ملل، نشان داد که دیپلماسی جمهوری اسلامی واجد ماهیتی معناگرا، نمادپردازانه و مبتنی بر الگوی نرم‌افزاری بازتولید هویت در سپهر رقابت‌های روایی معاصر بوده است. این راهبرد هوشمندانه با بهره‌گیری از سرمایه‌های نمادین - اعم از مایه‌های تمدنی، عناصر قرآنی و برجسته‌سازی شخصیت‌های مقاومت - بستری برای خنثی‌سازی پروپاگاندای رسانه‌ای سلطه و مفصل‌بندی روایتی بدیل از کنشگری ایران فراهم آورده است. سخنرانی‌های شهید رئیسی در مجامع بین‌المللی نه تنها حاوی بازخوانی معرفتی و تاریخی مشروعیت ایران اسلامی و بازسازی اعتبار هویت ملی - دینی در برابر بهتان‌های انحطاط و ناکارآمدی بود، بلکه با ارجاع به دستاوردهای عینی در ابعاد علمی، فناوری و مردم‌سالار، الگویی فعالانه، الهام‌بخش و فرامرزی از حکمرانی عدالت‌محور و دیپلماسی

ارزش‌بنیاد ترسیم کرد. ایشان با تبیین تمایزات ماهوی نظام جمهوری اسلامی با ساخت مسلط غرب، زمینه نقد بنیادین ساختارهای ارزشی، معرفتی و مشروعیتی نظام سلطه را فراهم آورد و با برجسته‌سازی مضمون‌های الهی، مردم‌مدارانه و عدالت‌خواهانه، گفتمان انقلاب اسلامی را به‌عنوان نقطه اتکا و بستر هم‌افزایی جریانهای عدالت‌طلب و نیروهای مستقل جهانی مطرح ساخت. رویکرد شهید رئیسی، فراتر از رویارویی دفاعی با عملیات روانی و جنگ نرم، به ابتکار عملی فعال در جهاد تبیین، افشاگری نسبت به تناقضات درونی نظام سلطه، تشریح سازوکارهای ضد ایرانی و اسلام‌ستیزانه رسانه‌ها و تبیین وجوه بحران مشروعیت و فروپاشی هنجاری غرب انجامید. او با نقد ساختاری، نه تنها به سطح عملکرد و مصداق‌ها، بلکه به بنیان‌های معرفتی و مؤلفه‌های اخلاقی نظم هژمونیک غربی تاخت و ایران را به مرکز ثقل و رکن معنایی ائتلاف عدالت‌خواهی در عرصه جهانی بدل ساخت.

در سطح راهبردی - عملی، جمهوری اسلامی در این دوره تنها در مقام معترض و منتقد نظم موجود متوقف نماند، بلکه با اتکا بر سرمایه‌های نرم، راهبرد نمادین و تثبیت جایگاه تمدنی خود، به تولید و صدور الگویی مستقل و معنویت‌محور از حکمرانی و دیپلماسی مبادرت ورزید؛ الگویی که به‌واسطه تأکید بر صورت‌بندی ارزشی، مردم‌سالاری دینی و نفی سلطه‌جویی، می‌تواند پاسخ‌گوی مقتضیات عصر گذار نظم بین‌الملل و هم‌افزایی ملت‌ها و نخبگان عدالت‌طلب جهان باشد؛ هم‌چنین، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای، با تأکید بر الگوی امنیت بومی مبتنی بر مقاومت، صیانت از استقلال و رویارویی با روایت مسلط غربی از امنیت، موفق شد که میدان معنایی جدیدی حول مفاهیمی چون امنیت فعال، پیشرفت تمدنی و اقتدار نرم ایجاد کند. در مجموع، راهبرد کلان ایران در نظم جهانی آینده با صورت‌بندی ارزش‌گرایانه، الهی و انسان‌محور و نیز نقد ساختاری نظم ماتریالیستی و سلطه‌جویانه غرب، نه تنها تضمین‌کننده سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی، بلکه منشأ پیوند الهام‌بخش برای ملت‌های جویای عدالت و استقلال در سطح فراملی بوده است. بر این اساس، یافته‌های پژوهش نشان داد که برای تحقق الگوی بدیل حکمرانی، ارتقای جایگاه معنایی ایران و تثبیت ظرفیت نرم در عرصه جهانی، مبتنی بر آموزه‌های گفتمانی و عملی شهید رئیسی، اتخاذ و تقویت راهبردهای زیر ضرورت داشت

۱. تعمیق و استمرار دیپلماسی تبیینی و روایی: استمرار فرایند جهاد تبیین در عرصه

بین‌الملل با تأکید بر ظرفیت‌های رسانه‌ای مستقل، گسترش تعاملات معنادار با نخبگان و افشای سازوکارهای عملیات روانی نظام سلطه

۲. تقویت و گسترش همکاری‌های مستقل منطقه‌ای و جهانی: توسعه سازوکارهای چندجانبه و ائتلاف‌های همکاری با دولت‌ها و ملت‌هایی که بر مخالفت با سلطه و تحریم اتفاق نظر دارند و پیگیری ابتکارات بدیل در ساختارهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی فراملی

۳. نهادینه‌سازی الگوی حکمرانی مردم‌مدار و عدالت‌محور: الگوسازی عینی از سیاست‌گذاری فناوریانه، علمی و عدالت‌بنیاد جمهوری اسلامی و انتقال ظرفیت‌های عملیاتی این الگو به کشورهای علاقه‌مند با هدف ارتقای الگوی حکمرانی معنوی و مستقل

۴. تثبیت و تعمیق هویت اسلامی - تمدنی در عرصه بین‌المللی: سرمایه‌گذاری در گفتمان‌سازی معنوی و ترویج ارزش‌های الهی، تقویت جایگاه تمدنی ایران و حمایت هوشمندانه از جریانها و جنبش‌های ضد ظلم و ضد تبعیض در سطح جهان اسلام و فراتر از آن

۵. افزایش ضریب توانمندی نرم و تحکیم محور مقاومت: حمایت هدفمند از جبهه مقاومت، تبیین هوشمندانه دستاوردهای آن و تقویت شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های فرهنگی و رسانه‌ای مستقل در عرصه جنگ ادراکی معاصر

منابع

الف. منابع فارسی

۱. نقدی ابراهیمی، شهروز؛ زمانیان، روح‌الله (۱۳۸۹). معناگرایی از منظر مکتب انگلیسی در روابط بین‌الملل. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۲، شماره ۲۹، صفحه ۱-۲۲.
۲. ادیب، مصطفی (۱۳۸۸). تفکر شیعی و پدیده جهانی‌شدن. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳. اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶). القاعده از پندار تا واقعیت. تهران: اندیشه‌سازان نور.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۵. ایزدی، پیروز (۱۳۹۵). ایران‌هراسی در غرب: علل، اهداف و انگیزه‌ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۶. ایزدی، فؤاد (۱۳۸۹). اسلام‌هراسی؛ پس از ۱۱ سپتامبر، علل، روندها و راه‌حل. مجموعه مقالات همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. بیگی، مهدی (۱۳۸۸). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. توال، فرانسوا (۱۳۷۹). ژئوپلیتیک شیعه. ترجمه علیرضا قاسم‌آقا. تهران: آمن.
۹. درخشه، جلال؛ اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۲، ص ۲۷-۵۳.
۱۰. درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر؛ ردادی، محسن (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۳، ص ۵۳-۷۲.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس. فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴.
۱۲. رضایی، علیرضا (۱۴۰۰). سیاست خارجی مطلوب دولت ابراهیم رئیسی؛ الگوی نظم عدالت‌محور مبتنی بر استراتژی موازنه نرم. فصلنامه علمی راهبرد سیاسی، سال ۵، ص ۲۳-۴۵.
۱۳. زاده‌علی، مهدی؛ میرحسینی، فرشته (۱۳۹۶). ریشه‌های ایران‌هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب. فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، ص ۱۵۱-۱۸۲.
۱۴. سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۵). الگوی فرهنگی مناسب برای مقابله با ایران‌هراسی بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۵. سراج، رضا (۱۳۸۷). اسلام‌هراسی؛ رؤیای بازی برد - برد نظام سلطه علیه اسلام. روزنامه کیهان، شماره ۱۹۰۶۴، صفحه ۱۲.
۱۶. سعید، ادوارد (۱۳۸۳). شرق‌شناسی. ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. سعید، بابی (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرا. ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. سلیمی، حسین (۱۳۸۸). فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۹. سیمبر، رضا (۱۳۸۹). اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل: رهیافت‌ها و رویکردها. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. سیمبر، رضا؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۸۹). اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۲۱. شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹). ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها. فصلنامه روابط خارجی.
۲۲. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۶). مثلث مقدس (راز دشمنی غرب با اسلام و مسلمانان). چاپ سوم. تهران: هلال.
۲۳. صالحی، عباس (۱۳۸۹). مطالعه زمینه‌های پیدایش و استمرار اسلام‌هراسی در غرب با تأکید بر مسئله تروریسم. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکزی.
۲۴. عیوضی، محمدرحیم؛ پارسا، مونا (۱۳۹۲). الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل. فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۳، شماره ۹، مهر ۱۳۹۲، صفحه ۹۹-۱۱۲.
۲۵. عیوضی، محمدرحیم؛ فلاح حسینی، مهسا (۱۳۹۶). اسلام‌هراسی و سناریوهای پیشروی آن. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۶(۳)، ۷۵-۹۲.
۲۶. قلعه‌نوعی، محمد؛ کیانی، داوود؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال ایران‌هراسی در اتحادیه اروپا. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۱، ص ۱۷۹-۱۹۹.
۲۷. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۴). نظریه ارزش مازاد در مبادلات فرهنگی و بین‌المللی. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۹۹-۱۰۰: ۴۱-۴۴.
۲۸. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴). نظریه ارزش مازاد در مبادلات فرهنگی و بین‌المللی. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۹۹-۱۰۰: ۴۱ - ۴۴.
۲۹. کلاته، حسن (۱۳۸۸). گفتمان جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۰. محسنی، ابوالقاسم؛ کالوت، احمد (۲۰۱۷). نقش ایران در محور مقاومت و تأثیر آن بر شکست سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۲ (۳)، ۴-۲۰.
۳۱. محسنی، ابوالقاسم؛ کالوت، احمد (۲۰۱۷). نقش ایران در محور مقاومت و تأثیر آن بر شکست سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۲ (۳)، ۴-۲۰.
۳۲. مسعودی، حیدرعلی (۱۴۰۱). مقوله امنیت در گفتمان سیاست خارجی حسن روحانی و ابراهیم رئیسی؛ عناصر و مفصل‌بندی‌های متمایز. فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۴ (۱)، ۱۷۷-۲۰۲.
۳۳. مسعودی، رضا (۱۴۰۱). مفهوم مقاومت هوشمند در گفتمان سیاسی ایران: مطالعه موردی دولت سیزدهم. پژوهشنامه مطالعات منطقه‌ای، ۱۰ (۴)، ۱۹۰-۲۱۰.
۳۴. مظفری، آیت (۱۳۸۶). شیعه و جهان فرد. قم: زمزم هدایت.
۳۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
۳۶. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم. ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۳۷. نصیری، علی اصغر (۱۳۹۹). سیره شهید سلیمانی در افزایش سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عنصر اعتماد. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و سوم، شماره ۸۹: ۵۹-۸۳.
۳۸. نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۴). ابعاد فرهنگی ایران‌هراسی در کشورهای حوزه خلیج فارس. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۹. نورمحمدی، مرتضی؛ کاظمی، حجت (۱۳۹۴). جایگاه فرهنگ در تکوین ایران‌هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس. پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۲: ۸۷-۱۱۳.
۴۰. واعظی، احمد؛ جوادی عاملی، عبدالله (۱۳۹۵). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: انتشارات

اسرا.

۴۱. ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴۲. هاشمی اصل، یزدان؛ توانا، محمدعلی (۱۴۰۱). مواجهه تمدن مسلمانان با غرب؛ روایتی از ذکر قدسی (تعامل، تقابل و بازخوانی). دوفصلنامه مطالعات جهان اسلام، ۴(۲)، ۷۵-۸۳.
۴۳. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰). تمدن‌ها بازسازی نظام جهانی. ترجمه مینو احمد سرتیپ. تهران: کتاب‌سرا.
۴۴. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۸). نظریه برخورد تمدن‌ها. ترجمه مجتبی امیری. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

ب. منابع انگلیسی

1. Clarke, V, & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.
2. Fuller, G. (2003). *The Future of Political Islam*. New York: Palgrave.
3. Guzzini, S. (2000). A reconstruction of constructivism in International Relations. *European Journal of International Relations*, 6(2), 147-182.
4. Huntington, S. P. (1993). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
5. Kepel, G. (2002). *Jihad* (S. Robert, Trans.). Cambridge: Harvard University Press.
6. Mark, S. A. (2009). Greater role for cultural diplomacy. [Discussion Paper]. Retrieved from <https://www.culturaldiplomacy.org>
7. Miller, J. (1993). The challenge of radical Islam. *Foreign Affairs*, 72(2), 43-56.